

**«مسابقه حفظ و تفسیر سوره مبارکه فجر»**

به مناسبت دهه مبارک فجر، **مسابقه حفظ و تفسیر سوره مبارکه فجر** از کتاب «تفسیر نور» تالیف حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی برگزار می شود.

* علاقه مندان می توانند با تهیه و مطالعه این جزوه در این مسابقه شرکت نمایند.
* به نفرات برگزیده این مسابقه جوایزی اهدا خواهد شد.
* زمان برگزاری مسابقه تفسیر: 17 بهمن ماه بعد از نماز عشاء
* زمان برگزاری مسابقه حفظ: 18 بهمن ماه بعد از نماز عشاء
* برای دریافت جزوه به کتابخانه مسجد مراجعه فرمایید.
* هزینه جزوه 1000 تومان می باشد.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم**

**وَالْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَیَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَاللَّیْلِ إِذَا یَسْرِ ﴿٤﴾ هَلْ فِی ذَلِکَ قَسَمٌ لِذِی حِجْرٍ ﴿٥﴾ أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِی لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلادِ ﴿٨﴾ وَثَمُودَ الَّذِینَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِی الأوْتَادِ ﴿١٠﴾ الَّذِینَ طَغَوْا فِی الْبِلادِ ﴿١١﴾ فَأَکْثَرُوا فِیهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الإنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَکْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَکْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَهَانَنِ ﴿١٦﴾ کَلا بَل لا تُکْرِمُونَ الْیَتِیمَ ﴿١٧﴾ وَلا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْکِینِ ﴿١٨﴾ وَتَأْکُلُونَ التُّرَاثَ أَکْلا لَمًّا ﴿١٩﴾ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ کَلا إِذَا دُکَّتِ الأرْضُ دَکًّا دَکًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّکَ وَالْمَلَکُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِیءَ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ یَوْمَئِذٍ یَتَذَکَّرُ الإنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّکْرَى ﴿٢٣﴾ یَقُولُ یَا لَیْتَنِی قَدَّمْتُ لِحَیَاتِی ﴿٢٤﴾ فَیَوْمَئِذٍ لا یُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلا یُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِی إِلَى رَبِّکِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِی فِی عِبَادِی ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِی جَنَّتِی ﴿٣٠﴾**

**صدق الله العلی العظیم**

آیات 1 الی 5

* **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‌** ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان‌
* **«1» وَالْفَجْرِ** ؛ به سپيده دم سوگند.
* **«2» وَلَيَالٍ عَشْرٍ** ؛ به شبهاى ده گانه سوگند.
* **«3» وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ** ؛ به زوج و فرد سوگند.
* **«4» وَالَّيْلِ إِذَا يَسْرِ** ؛ به شب سوگند آنگاه كه سپرى شود.
* **«5» هَلْ فِى ذَ لِكَ قَسَمٌ لِّذِى حِجْرٍ** ؛ آيا (در اين سوگندها) براى اهل خرد، سوگندى مهم نيست؟
* **نكته‌ها:**
* «فجر» به معناى شكافتن است و مراد از آن، شكافتن تاريكى با سپيده دم است كه زمان مقدّس و با ارزشى است و در آن هنگام، جنبنده‌ها به تكاپو مى‌افتند و صبح و روز تازه‌اى را آغاز مى‌كنند. در حديثى مراد از فجر را حضرت مهدى ‌عليه السلام دانسته «الفجر هو القائم‌ عليه السلام» كه شب تاريك ظلم و فساد، به صبح قيام آن حضرت برچيده خواهد شد.
* «حِجر» به معناى منع و مراد از آن عقل است كه انسان را از كار خلاف منع مى‌كند. چنانكه «محجور» به معناى ممنوع التصرف است.
* در روايات، براى «شَفع» به معناى زوج و «وَتر» به معناى فرد، مصاديق زيادى گفته شده است، از جمله اينكه مراد از وتر، روز نهم ذى‌الحجه (روز عرفه) و مراد از شفع روز دهم ذى‌الحجه (عيد قربان) است و يا مراد از شفع، دو كوه صفا و مروه است و مراد از وتر، كعبه كه يكى است. و يا مراد از وتر، خداوند يكتا و مراد از شفع، مخلوقات‌اند كه همه جفت و زوج هستند، يا مراد نماز مستحبّى شفع و وتر است كه در سحر خوانده مى‌شود و يا مراد از شفع، روز نهم و دهم ذى الحجه و وتر، شب مشعر است.
* مراد از «ليال عَشر»، يا ده شب آخر ماه مبارك رمضان است كه شبهاى قدر در آن قرار گرفته و يا ده شب اول ماه ذى الحجه است كه روز عرفه و عيد قربان را شامل مى‌شود.
* **پيام‌ها:**
1. زمان، مقدّس و قابل سوگند است. «والفجر»
2. بعضى ايام از قداست ويژه‌اى برخوردار است. «وليال عشر»
3. ساعات پايان شب كه سالكان در آن سير معنوى دارند، از قداست خاصّى برخوردار است. «و الّيل اذا يسر»
4. مخاطبان قرآن، اهل خردند. «لذى حجر»

**آیات 6 الی 14**

* **«6» أَلَمْ‌تَرَ كَيْفَ فَعَلَ‌رَبُّكَ‌بِعَادٍ** ؛ آيا نديدى كه پروردگارت با قوم عاد چه كرد؟
* **«7» إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ** ؛ (همان قوم) ارم، (شهرى) كه داراى بناهاى ستون دار بود.
* **«8» الَّتِى لَمْ يُخْلَقْ مَثْلُهَا فِى الْبِلاَدِ** ؛ (بناهايى) كه مانندش در ديگر شهرها ساخته نشده بود.
* **«9» وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ** ؛ و با قوم ثمود كه در وادى خود تخته سنگها را (براى ساختن خانه) مى‌بريدند.
* **«10» وَفِرْعَوْنَ ذِى الأَوْتَادِ** ؛ و با فرعون، صاحب قدرت و سپاه عظيم.
* **«11» الَّذِينَ طَغَوْاْ فِى الْبِلاَدِ** ؛ آنها كه در شهرها طغيان‌گرى كردند.
* **«12» فَأَكْثَرُواْ فِيهَا الْفَسَادَ** ؛ و در آن، فساد و تباهى افزودند.
* **«13» فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ** ؛ پس پروردگارت تازيانه عذاب بر آنان فرود آورد.
* **«14» إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ** ؛ همانا پروردگارت در كمين‌گاه است.
* **نكته‌ها:**
* قوم عاد دو گروه بودند؛ عاد قديم و جديد به دليل آيه «عادٍ الاولى»، كه بعد از حضرت نوح در منطقه احقاف زندگى مى‌كردند و داراى هيكل‌هايى بزرگ و قدرتى عظيم و شهرهايى آباد بودند.
* «اِرَم» يا نام ديگر قبيله عاد است يا نام شاخه‌اى از قوم عاد و يا نام منطقه‌اى كه قوم عاد در آن زندگى مى‌كردند كه ساختمان‌هايشان داراى ستون‌هايى بزرگ و بلند بوده است. بعضى ارم را ساختمان شدّاد و بعضى ساخته اسكندر در اسكندريه دانسته‌اند.
* «صَخر» جمع صخره به معناى سنگهاى بزرگ و سخت است و «واد» به فاصله ميان كوه و تپه گفته مى‌شود.
* «عماد» به معناى ستون يا ساختمان بلند است و «ثمود» به اعراب ما قبل تاريخ گويند كه در شمال عربستان ساكن بودند قومى كه پيامبر آنها حضرت صالح بود.
* «جابوا»، به معناى بريدن سنگ است و كلمه «جواب» كه از اين ريشه است، به معناى قطع سؤال با پاسخ صحيح است.
* ظاهراً قوم ثمود بعد از قوم عاد بوده‌اند كه نامشان بعد از آنها برده شده است.
* قهر بر عاد و ثمود نمونه‌اى از در كمين بودن خدا نسبت به ستمكاران است. خداوند در كمين است، يعنى خلافكاران راه گريز ندارند و به طور ناگهانى گرفتار مى‌شوند.
* استحكام ساختمان‌ها مانع قلع و قمع الهى نيست و به خاطر محكمى ساختمان نبايد از قهر خداوند احساس امنيّت كرد.
* مقصود از «ذو الاوتاد» يا آن است كه پايه‌هاى حكومت فرعون محكم بود يا آنكه مخالفان خود را ميخكوب مى‌كرد و يا آنكه سپاه فراوان داشت.
* كلمه «صَبَّ» به معناى ريختن است، تعبير بارش عذاب، شايد كنايه از عذاب پى‌درپى و مداوم باشد.
* چگونه خداوند در كمين نباشد در حالى كه او از رگ گردن به ما نزديك‌تر است؟ «و نحن اقرب اليه من حبل الوريد».
* **پيام‌ها:**
1. تاريخِ قلع و قمع متجاوزان را فراموش نكنيد. «اَلم تَر»
2. نابود كردن طغيانگران جلوه ربوبيّت خداوند است. «فعل ربّك بعاد» به قول سعدى: ترحّم بر پلنگ تيزدندان ستمكارى بود بر گوسفندان‌
3. نشانه خرد و عقل، عبرت گرفتن از تاريخ است. «لذى حجر الم تَر كيف فعل ربّك»
4. پيامبر اكرم‌صلى الله عليه وآله توسط وحى از تاريخ قوم عاد و ثمود و فرعون آگاهى داشت. «الم تَر»
5. ابتكار در معمارى با استفاده از سنگ، در آن قوم عاد بوده است. «لم يخلق مثلها فى البلاد»
6. اختلاف و تضاد فكرى، مانع از بيان هنر و ابتكارات ديگران نشود. «لم يخلق مثلها فى البلاد»
7. قدرت بدون معنويّت، عاملى است براى بر هم زدن امنيّت. «جابوا الصخر...ذى الاوتاد... طغوا فى البلاد»
8. طغيانگر و طغيان مرز نمى‌شناسد. «طغوا فى البلاد»(مراد از بلاد، همه مناطقى است كه به آن دسترسى داشتند)
9. سرچشمه تباهى و فساد، طاغوت‌ها هستند. «طغوا فى البلاد فاكثروا فيها الفساد»
10. تمدن و پيشرفت، اگر همراه با تقوا و صلاح نباشد عامل سقوط و هلاكت است. «فصب عليهم ربّك سوط عذاب»
11. مربى، گاه براى تنبيه، نياز به شلاق دارد. «ربُّك سوط»
12. طغيان و فساد جز با قهر بر طرف نمى‌شود. «طغوا... سوط عذاب»
13. مهلت‌ها شما را مغرور نكند كه خدا در كمين است. «ان ربّك لبالمرصاد»
14. كيفر دنيوى نسبت به عذاب اخروى همچون تازيانه‌اى است كه درد آن موقّت و آثارش سطحى است و تنها بر پوست مى‌ماند. «سوط عذاب»

آیات 15 الی 20

* **«15» فَأَمَّا الإِنسَانُ إذَا مَا ابْتَلاَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّى أَكْرَمَنِ** ؛ امّا انسان، (طبعش اين است كه) هرگاه پروردگارش او را بيازمايد و گراميش داشته و نعمتش دهد، (مغرور شده و) گويد: پروردگارم مرا گرامى داشته است.
* **«16» وَأَمَّآ إِذَا مَا ابْتَلاَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّى أَهَانَنِ** ؛ ولى هرگاه او را بيازمايد و روزى او را تنگ سازد، گويد: پروردگارم مرا خوار كرده است.
* **«17» كَلاَّ بَل لاَّ تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ** ؛ چنين نيست، بلكه شما يتيم را گرامى نمى‌داريد.
* **«18» وَ لاَ تَحَآضُّونَ عَلَى‌ طَعَامِ الْمِسْكِينِ** ؛ و يكديگر را بر اطعام بينوايان ترغيب نمى‌كنيد.
* **«19» وَ تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلاً لَّمًّا** ؛ و ميراث را (به حق و ناحق) يكجا مى‌خوريد.
* **«20» وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبّاً جَمّاً** ؛ و مال را بسيار دوست داريد.
* **نكته‌ها:**
* «اَكلاً لمّا» يعنى يكجا خوردن، بدون دقت در اين كه حلال است يا حرام و آيا مال ديگران به آن اضافه شده يا نه. «لمّا» مصدر «لَمَمت» به معناى جمع و ضميمه كردن.
* »جَمّا» به معناى زياد و انباشته است.
* رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود: من و هر كسى كه يتيمى را تحت تكفّل خود قرار دهد، در بهشت در كنار هم هستيم.
* يكى از سنّت‌ها و برنامه‌هاى قطعى خداوند، آزمايش مردم است؛ البتّه نه براى شناختن، بلكه براى ظهور خصلت‌ها و بروز تلاش‌ها تا بر اساس آن اجر و پاداش دهد.
* آزمايش‌هاى الهى گوناگون است، گاهى با رفاه و ثروت انسان را آزمايش مى‌كند و گاهى با تنگدستى و مشكلات. ولى انسان عجول كه از آزمايش الهى و اهداف آن غافل است، دست به قضاوت‌ها و تحليل‌ها و تفسيرهاى غلط زده و از خداوند گلايه مى‌كند.
* **پيام‌ها:**
1. آزمايشهاى الهى، جلوه‌اى از در كمين بودن پروردگار نسبت به انسان است. «انّ ربّك لبالمرصاد فامّا الانسان اذا ما ابتلاه»
2. آزمايش، وسيله تربيت و رشد انسان است. «الانسان ابتلاه ربّه»
3. دريافت‌هاى انسان بر اساس لطف اوست نه استحقاق ما. پس گرفتار غرور و عجب نشده و از آزمايش غفلت نكنيد. «اكرمه و نعّمه»
4. نه فقر نشانه اهانت است و نه دارايى نشانه كرامت؛ بلكه هر دو وسيله آزمايش است. «ابتلاه... فاكرمه، ابتلاه فقدر عليه رزقه»
5. مهمتر از جسم يتيم روح اوست كه بايد گرامى داشته شود. «تكرمون»
6. كمبودهاى روحى را با احترام و محبت جبران كنيد. (اولين انتظار يتيمان احترام به شخصيّت آنان است) «تكرمون اليتيم»
7. در مورد كارهاى خداوند، قضاوت نابجا نكنيد. دليل تنگى رزق را بى‌اعتنائى خداوند نپندازيد، بلكه نتيجه عملكرد خودتان بدانيد.«كلاّ بل لاتكرمون اليتيم»
8. احسان به ديگران، در رزق و روزى انسان نقش مهمى دارد. «لاتكرمون - فقدر عليه رزقه»
9. بينوايان نبايد گرسنه بمانند. با انفاق خود، با تشويق ديگران بايد به آنان رسيدگى كرد. «تحاضّون على طعام المسكين»
10. در درآمدهاى خود دقّت كنيد؛ هر نانى مصرف كردنى نيست. «اكلاً لّما»
11. علاقه به مال فطرى است، آنچه مذموم است، علاقه شديد است «حُبّاً جمّاً»
12. تكريم خدا از شما، بايد سبب تكريم از يتيمان باشد. «اكرمه... لا تكرمون»
* **رسول خدا (ص):** ای جامعه قرآن خوانان! در مورد آنچه از قرآن خداوند بر دوش شما نهاده تقوای الهی را پیشه کنید . زیرا من و شما مسئولیم، من مسئول ابلاغ رسالتم و از شما دربارۀ آنچه از کتاب خدا و سنت من دارید سؤال خواهد شد. (جامع الاخبار و الآثار، جلد 1، صفحه 379)
* **پیامبر خدا (ص):** کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دنیا دوستی و زینت آن را بر قرآن ترجیح دهد سزاوار خشم خداوند است، و در ردیف یهود و نصاری قرار خواهد داشت که کتاب خدا را پشت سر انداختند. (جامع الاخبار و الآثار، جلد 1، صفحه221)
* **امیر المومنین علی (ع):** قرآن را فراگيريد، زيرا قرآن بهترين حرف نو است و در آن انديشه عميق كنيد، زيرا آن بهار قلب‏هاست و به وسيله نور آن شفا گيريد، زيرا آن شفاى سينه‏هاست. (نهج البلاغه، خطبه 110)
* **امام حسن مجتبی (ع):** در این قرآن چراغهای روشن (هدایت) و داروی شفابخش دلهاست. (جامع الاخبار و الآثار، جلد 1، صفحه 164)

آیات 21 الی 26

* **«21» كَلاَّ إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكّاً دَكّاً** ؛ چنان نيست (كه مى‌پنداريد) ، آنگاه كه زمين به شدّت درهم كوبيده شود.
* **«22» وَجَآءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفّاً صَفّاً** ؛ و (فرمان) پروردگارت با فرشتگان صف در صف فرارسد.
* **«23» وَجِاْى ءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الإِنسَانُ وَأَنَّى‌ لَهُ الذِّكْرَى** ؛ آن روز دوزخ را حاضر كنند، در آن روز انسان متذكّر شود ولى اين تذكّر چه سودى برايش دارد؟
* **‌ «24» يَقُولُ يَا لَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى** ؛ (در آن روز انسان) گويد: اى كاش براى زندگى (امروز) چيزى از پيش فرستاده بودم.
* **«25» فَيَوْمَئِذٍ لاَّ يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ** ؛ پس در آن روز هيچكس به مانند عذاب او عذاب نكند.
* **«26» وَ لاَ يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ** ؛ و هيچكس چون به بند كشيدن او، در بند نكشد.
* **نكته‌ها:**
* «دكّ» به معناى كوبيدن و هموار كردن است و دكّه و دكّان جايى است كه براى عرضه اجناس، زمين آن هموار و مهيا مى‌شود.
* امام رضاعليه السلام فرمود: مراد از «جاء ربُّك»، آمدن فرمان پروردگار است (نه آمدن خود پروردگار). چنانكه در آيه 33 سوره نحل مى‌فرمايد: «يأتى امر ربّك»، فرمان پروردگارت مى‌آيد.
* مراد از «و جيى‌ء يومئذ بجهنّم»، پرده‌بردارى از روى آن باشد. چنانكه در جاى ديگر مى‌فرمايد: «برّزت الجحيم لمن يرى‌».
* هنگامى كه آيه «و جيى‌ء يومئذ بجهنّم» نازل شد، پيامبر اكرم‌صلى الله عليه وآله درهم فرو رفت، به گونه‌اى كه هيچ كس جرأت سخن گفتن با آن حضرت را نداشت.
* **پيام‌ها:**
1. خداوند، انسان را از علاقه شديد به مال و تصاحب حق ديگران باز مى‌دارد. «تحبّون المال – كلاّ»
2. داروى حرص و حب مال، ياد قيامت است.«تأكلون التراث... تحبّون المال... كلاّ اذا دكّت الارض»
3. قيامت، روز حاكميت مطلق فرمان الهى است. «جاء ربّك»
4. از رعايت نظم و سلسله مراتب، نمايش قدرت فرشتگان در قيامت به چشم مى‌خورد. «الملك صفّا صفّا»
5. تذكّر و پشيمانى در قيامت سودى ندارد. «و انّى له الذّكرى»
6. قيامت، روز هوشيارى و يادآورى است. «يومئذ يتذكّر الانسان»
7. جهنم، در قيامت ظاهر مى‌شود. «جيى‌ء... بجهنّم»
8. قيامت روز حسرت است. «يا ليتنى»
9. آرزو كارساز نيست، تلاش لازم است. «يا ليتنى قدّمت»
10. زندگى واقعى و ابدى، زندگى قيامت است. «لحياتى»
11. خداى رحيم، در جاى خود شديد است. «لايعذّب عذابه احد»
12. ممكن است براى كيفرهاى خداوند در دنيا مشابهى باشد، امّا در آخرت عذاب الهى مشابه ندارد. «فيومئذ لا يعذّب عذابه احد»
13. در قيامت، امكان فرار از عذاب نيست. «لا يعذّب... لا يوثق»

**امام خمینی (ره):**

* قرآن، شما را آزاد قرار داده است و قرآن،‌ استقلال شما را بیمه کرده است.
* استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم (ص) است.
* ما از آزادی منهای قرآن و از استقلال منهای اسلام، بیزار هستیم. ما آزادی در پناه قران را می‌خواهیم.
* اگر تمام آزادی‌ها را به ما بدهند و تمام استقلال‌ها را به ما بدهند و بخواهند قرآن را از ما بگیرند، نمی‌خواهیم.

**امام خامنه ای (مد ظله العالی):**

* در فضاى زندگى ما باید قرآن حكومت كند و بركات قرآنى موج بزند. در سایه‌ى قرآن است كه معرفت و بصیرت و شجاعت و اقدام ما معنا پیدا مى‌كند و به سمت هدف‏هاى درست متوجه مى‌شود.

آیات 27 الی 30

آیات 27 الی 30

* **«27» يَآ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** ؛ هان اى روح آرام يافته!
* **«28» ارْجِعِى إِلَى‌ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً** ؛ به سوى پروردگارت بازگرد كه تو از او راضى و او از تو راضى است.
* **«29» فَادْخُلِى فِى عِبَادِى** ؛ پس در زمره‌ى بندگان من درآى.
* **«30» وَادْخُلِى جَنَّتِى‌** ؛ و به بهشت من داخل شو!
* **نكته‌ها:**
* دل آرام و نفس مطمئنه، با ذكر خدا به دست مى‌آيد. «الا بذكراللّه تطمئنّ القلوب» و بهترين ذكر خدا نماز است. «اقم الصّلاة لذكرى».
* راضى بودن و مرضى بودن، نشانه نفس مطمئنه است كه او از خدا راضى است و خدا نيز از او راضى است.
* از امام صادق‌عليه السلام سؤال شد كه آيا مؤمن از جان دادن خود راضى است؟ حضرت فرمود: در لحظه اول راضى نيست ولى فرشته قبض روح به او دلدارى مى‌دهد كه من از پدر به تو مهربان‌ترم، چشمت را باز كن. او چشم باز مى‌كند و پيامبرصلى الله عليه وآله و على و فاطمه و حسن و حسين و ساير امامان عليهم‌السلام را مى‌بيند. فرشته مى‌گويد: اينان دوستان تو هستند. مؤمن هم با ديدن اين صحنه راضى مى‌شود و در اين هنگام خطاب «يا ايّتها النفس المطمئنّة» را مى‌شنود.
* **پيام‌ها:**
1. اصالت انسان با روح است و بدن، مركب آن است. «يا ايّتها النفس» (خطاب خداوند به نفس است)
2. بهشت بدون يار و همدم، بهشت نيست. «اُدخلى فى عبادى»
3. بهشت، انواع و درجاتى دارد. «جنّتى» چنانكه قرآن در موارد متعدد فرموده است: «جنّات عدن»

**«والحمد للّه ربّ العالمين»**